

اجرای کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن قاعده «استرداد یا محاکمه» در ایران

محمدعلی اردبیلی*

ندا میرفلاح نصیری**

چکیده

برای مبارزه با بی‌کیفری مرتکبان جنایات بین‌المللی و همچنین پیشگیری از ارتکاب این‌گونه جنایات، «قاعده یا استرداد یا محاکمه» در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی مطرح شده است. این تعهد بدین معنی است که دولت محل دستگیری متهم به جرم بین‌المللی، باید یکی از گزینه‌های محاکمه یا استرداد این فرد را اجرا نماید. قاعده مذکور در طول زمان، از قرن هفدهم که اولین بار گروسیوس هلندی آن را مورد توجه قرار داده و در کتاب جنگ و صلح به تشریح آن پرداخته تا عصر حاضر که بررسی این قاعده مهم حقوق بین‌الملل کیفری به کمیسیون حقوق بین‌الملل محول گردیده، دچار تغییر و تحولات مختلفی شده است. با وجود کثرت استعمال این قاعده در کنوانسیون‌های متعدد، در زمینه ماهیت معاهداتی این تعهد تردیدی وجود ندارد، اما عرفی بودن این تعهد همچنان مورد اختلاف حقوق‌دانان بین‌المللی می‌باشد. این مقاله در پی تشریح و بررسی ابعاد گوناگون بیان شده از تعهد به استرداد یا محاکمه در کنوانسیون‌های بین‌المللی مختلف و همچنین امکان وجود این قاعده در نظام حقوقی ایران می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: استرداد، محاکمه، جرایم بین‌المللی، جنایت علیه بشریت، تعهد بین‌المللی، صلاحیت کیفری.

با گسترش ارتباطات بین‌المللی، شکل‌گیری آشکال جدید جرایم بین‌المللی از یک سو و ظهور ابعاد جدید جرایم همانند اعمال تروریستی و عدم وجود تابعیت واحد میان مرتکب و قربانی یا طراحی و سازماندهی این اقدامات در کشوری غیر از کشور محل وقوع جرم از سوی دیگر، امروزه دولت‌ها را با «بین‌المللی شدن پدیده مجرمانه» روبرو ساخته است. به نحوی که یک جرم می‌تواند با چند کشور که سرزمین، اتباع یا منافع آنها در قضیه‌ای دخیل است، مرتبط باشد. از طرف دیگر، برخی از جرایم به دلیل ماهیت یا وسعت انتشار آثار و نتایج آن، نه تنها به نظم عمومی محل وقوع جرم بلکه به نظم عمومی حاکم در قلمرو وسیع‌تری از آن لطمه می‌زنند، به گونه‌ای که به تعبیر برخی از حقوق‌دانان در این موارد احساسات و عواطف انسانی و منافع بشریت در سراسر جهان خدشه‌دار می‌گردد. به منظور جلوگیری از بی‌کیفر ماندن مرتکبان این‌گونه جرایم و در مواجهه با خطرانی که چنین جرایمی برای کشورها ایجاد می‌کند، هر دولت تدابیر لازم را برای دفاع از خود اتخاذ می‌کند. یکی از این تدابیر، تعقیب و مجازات مرتکبان این جرایم در دادگاه‌های ملی با اعمال قوانین داخلی دولت مربوط می‌باشد.^۱ در این میان، زمانی که یک جرم دارای عنصر خارجی است و به بیش از یک کشور ارتباط دارد، «صلاحیت‌های تجویزی^۲» دولت‌ها بر یکدیگر همپوشانی پیدا می‌کنند. این همپوشانی به صورت بالقوه «صلاحیت کیفری متقارن^۳» را ایجاد می‌کند. در این موارد که صلاحیت متقارن به وجود می‌آید، راه‌حل قضیه وجود روابط پویا میان این دولت‌ها در جهت اعمال «قاعده یا استرداد یا محاکمه»^۴ نسبت به متهم به جرم مورد نظر می‌باشد.

بنابراین، قاعده سنتی یا استرداد یا محاکمه، با تأکید بر ماهیت بین‌المللی جرم، خواستار مجازات مرتکبان این جرایم از سوی جامعه بین‌المللی، صرف‌نظر از محل وقوع جرم یا محل دستگیری متهم می‌باشد. این اصطلاح در برخی از معاهدات چندجانبه با

۱. خالقی، علی، مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۲، صص. ۳۷ - ۳۵.

۲. در حقوق بین‌الملل سنتی پنج اصل بر مبنای صلاحیت کیفری فراسرزمینی وجود دارد، که همگی آشکال متفاوتی از صلاحیت هستند و به عنوان «صلاحیت تجویزی (Prescriptive Jurisdiction)» شناخته می‌شوند که بر قدرت دولت‌ها در اعمال صلاحیتشان بر جرم خاصی دلالت دارد. این صلاحیت‌ها در مقابل مفهوم «صلاحیت قضایی دولت» و همچنین «صلاحیت اجرایی دولت» قرار می‌گیرند.

۳. «صلاحیت کیفری متقارن» همان تقارن صلاحیت دولت‌های متعدد در یک قضیه است که در واقع انتخاب میان استرداد یا محاکمه متهم به ارتکاب جرم بین‌المللی می‌باشد. این صلاحیت، اغلب برآمده از اصرار یک کشور بر صلاحیت تجویزی یا مبنای فراسرزمینی است، یعنی زمانی که یک کشور در صدد اعمال حقوق کیفری خود بر اعمال ارتكابی در خارج از سرزمین خود می‌باشد.

۴. این اصطلاح، معادل اصطلاح لاتین Aut dedere Aut judicare می‌باشد و از این پس در این مقاله با این عنوان بیان می‌شود.

هدف تأمین همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با انواع خاصی از اعمال مجرمانه بیان گردیده است. تعهد مذکور از قرن نوزدهم به بعد در معاهدات و کنوانسیون‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بسیاری مورد توجه واقع شده و پس از آن کنوانسیون‌های بین‌المللی متعددی در زمینه مبارزه با یک جرم خاص بین‌المللی، در ماده‌ای جداگانه بر این قاعده تأکید نموده‌اند. این امر نشان از وجود ماهیت معاهداتی برای قاعده یا استرداد یا محاکمه در حقوق بین‌الملل می‌باشد. کنسانسوس و وفاق عامی میان حقوق‌دانان، در مورد این حقیقت وجود دارد که «معاهدات بین‌المللی» به طور کلی به عنوان منشأ اصلی قاعده مذکور شناخت شده‌اند. برخی از حقوق‌دانان برای چنین تعهدی منشأ عرفی قائل شده‌اند، لیکن چنین قولی مورد اجماع همه صاحب‌نظران قرار نگرفته است. در هر حال عرفی بودن این قاعده در قبال بسیاری از جنایات بین‌المللی مانند جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت، کشتار جمعی و شکنجه امر بعیدی به نظر نمی‌رسد.

با توجه به افزایش تمایل دولت‌های عضو جامعه بین‌المللی برای یافتن راهی در جهت مقابله با جرایم شدید و خشونت‌بار بین‌المللی و همچنین مبارزه با اقدامات تروریستی، به وجود قواعدی مانند تعهد به استرداد یا محاکمه نیاز است که زمینه را برای امحای بی‌کیفری مجرمان بین‌المللی و مبارزه مستمر با جرایم شدید بین‌المللی فراهم کند و بر تمامی افراد مرتکب جرم یا جنایت بین‌المللی، صرف‌نظر از مقام و منصبشان و بدون استثنا، عدالت حقیقی اجرا شود. در واقع اقدامات جنایتکاران و تروریستی در سطح بین‌المللی، جامعه بین‌المللی را به طور کلی تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، بنابراین تمامی دولت‌ها ملزم به همکاری در جهت اطمینان از اجرای عدالت بر مرتکبان این جرایم هستند. در صورت اعمال قاعده یا استرداد یا محاکمه از سوی کلیه دولت‌ها، امکان وجود «مکان امن» به منظور فرار مرتکبان جنایات بین‌المللی در سطح بین‌المللی منتفی می‌گردد. با فقدان مرجع بین‌المللی دارای صلاحیت ابتدایی بر جرایم خاص بین‌المللی^۱، با کمک مراجع داخلی عدالت را درباره مرتکبان این جرایم اجرا می‌کنند. بدین منظور در ابتدا با تعریفی از قاعده یا استرداد یا محاکمه مذکور در معاهدات چندجانبه بین‌المللی و بررسی اجمالی محتوای آن، زمینه برای ارزیابی برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی این تعهد در چهار دسته متمایز فراهم می‌گردد تا به زوایای مختلف این قاعده مهم حقوق بین‌الملل کیفری به درستی پرداخته شود، در پایان نیز امکان وجود قاعده مذکور در نظام حقوقی ایران مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱. دیوان بین‌المللی کیفری دارای صلاحیت تکمیلی می‌باشد. بند ۱۰ مقدمه اساسنامه رم اشعار می‌دارد: «دیوان بین‌المللی کیفری که به موجب این اساسنامه تأسیس می‌شود، مکمل محاکم کیفری ملی خواهد بود و در ماده ۱ نیز این نکته بیان شده است. ماده ۱۷ (۱) صریحاً به بند ۱۰ مقدمه و ماده ۱ ارجاع می‌دهد (میرعباسی، باقر؛ و حمید الهوتی نظری، مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴، ص. ۹۰).

۱. مفهوم قاعده استرداد یا محاکمه

در حقوق بین‌الملل، قاعده یا استرداد یا محاکمه به تعهد حقوقی دولت‌ها برطبق حقوق بین‌الملل عمومی اشاره دارد که بر اساس این تعهد، دولت‌ها مکلفند متهمان به ارتکاب جرایم شدید و مهم بین‌المللی را محاکمه نمایند یا به درخواست استرداد دولت‌های دیگر پاسخ مثبت داده، آنان را برای محاکمه به دولت متقاضی تحویل دهند. این تعهد صرف‌نظر از ماهیت فراسرزمینی جرم و همچنین بدون توجه به تابعیت مرتکب یا قربانی جرم مطرح می‌شود. اولین بار در قرن هفدهم، گروسیوس در کتاب «حقوق جنگ و صلح» عنوان «قاعده استرداد یا مجازات» را بیان کرده است. در واقع تعهد به استرداد یا محاکمه شکل مدرن اصطلاح موردنظر گروسیوس می‌باشد. مسأله مربوط به قاعده یا استرداد یا محاکمه، بخش متعارضی از حاکمیت جهانی را تشکیل می‌دهد، بخش غیرمتمرکز که تقابل میان حقوق جزای ملی چند دولت را در پی دارد و نشان‌دهنده چگونگی تفکیک میان منافع ملی و بین‌المللی و در نهایت انتخاب حداقل یکی از گزینه‌ها می‌باشد. به نظر می‌رسد این عنوان منعکس‌کننده نیاز واقعی دولت‌ها در زمینه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل می‌باشد. مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌المللی^۱ در گزارش دوم خود در زمینه بررسی تعهد به استرداد یا محاکمه، این قاعده را نه یک «تعهد به نتیجه» بلکه آن را «تعهد به فعل» می‌داند.^۲ آنتونی کسسه در زمینه تعهد مزبور معتقد است، که شکل جدیدتر و کامل‌تری از این اصطلاح در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری بیان شده، که دول عضو و یا دیوان را ملزم به محاکمه متهمین به جرایم مشخصی (نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی، تجاوز) می‌نماید. قاعده یا استرداد یا محاکمه در مباحث اصلی حقوق بین‌الملل کیفری قرار دارد و در موارد مشخصی قابلیت اعمال می‌یابد.^۳ در واقع قاعده یا استرداد یا محاکمه جلوه‌ای از همکاری‌های قضایی میان دولت‌ها محسوب می‌گردد و در اغلب معاهدات بین‌المللی کیفری، با عناوین مختلف، به عنوان یک واجب تخییری مطرح شده است. در مواردی براساس مفهوم جدیدی از این تعهد، علاوه بر دو گزینه انتخابی که یا استرداد فرد مظنون به ارتکاب جنایت موضوع معاهده به دولت متقاضی می‌باشد و یا اعمال صلاحیت کیفری خود را در زمینه تعقیب و محاکمه فرد مذکور در مراجع داخلی، دولت دستگیرکننده

۱. در تاریخ ۵ اگوست ۲۰۰۵، در جلسه ۵۷ام کمیسیون حقوق بین‌الملل موضوع جدیدی با عنوان "تعهد به استرداد یا محاکمه (aut dedere aut judicare)" در دستور جلسه کاری کمیسیون قرار گرفت و آقای گالیک (Zdzislaw Glicki) به عنوان مخبر ویژه کمیسیون در مورد بررسی تعهد مذکور انتخاب شد.

2. First Report on the obligation to extradite or prosecute (Aut dedere Aut judicare), of 11 June 2007, A/CN.4/585, UN.DOC, p. 15.

3. Cassese, Antonio; and Lal Chand Vohrah, "Man's Inhumanity to Man: Essay on International Law Houser of Antouio Cassese", Hague, Kluwer Law International Publisher, 2003, pp. 697-698.

متهم می‌تواند راه‌حل دیگری را اتخاذ نماید و متهم را به یک دادگاه بین‌المللی کیفری که صلاحیت رسیدگی به اتهامات او را دارد تحویل دهد.^۱ در واقع پس از تشکیل یک مرجع دائمی کیفری بین‌المللی، گزینه سومی در اعمال این تعهد مبنی بر «تسلیم متهم مذکور به دیوان بین‌المللی کیفری» برای دولت‌ها در سطح بین‌المللی ایجاد شده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز با توجه به گزارش‌های مخبر ویژه، سعی دارد که در جریان بررسی تعهد به استرداد یا محاکمه، مفهوم «جایگزین سوم» را برای امکان وجود صلاحیت موازی، هم برای دولت‌های منتفع از محاکمه متهم و هم برای دیوان بین‌المللی کیفری ایجاد نماید. این امر اقدام مهمی در جهت توسعه ساختار سنتی قاعده یا استرداد یا محاکمه خواهد بود.

از سویی جهت تبیین و تشریح این تعهد، توجه به وجود قاعده مذکور در رویه قضایی بین‌المللی و اختلافات مطروح در دیوان بین‌المللی دادگستری حائز اهمیت خواهد بود. به این دلیل که تصمیمات دیوان در شکل‌گیری و بیان قواعد حقوق بین‌الملل در طول زمان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این تعهد در دو قضیه لاکربی در سال ۱۹۹۲ و قضیه بلژیک علیه سنگال (یا استرداد یا تعقیب کیفری حسن هابره) که در سال ۲۰۰۹ نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شده است و منجر به صدور رأی مهم ۲۰۱۲ از سوی دیوان شده که بر اهمیت و زمینه عرفی - معاهداتی قاعده مذکور اذعان دارد.^۳ نکات مهمی در رأی دیوان وجود دارد که در تعریف دقیق و گسترش مفهوم «قاعده یا استرداد یا محاکمه» حائز اهمیت فراوانی است. نکته اول در زمینه تحلیلی است ست که از ماهیت و معنای بند اول ماده ۷ کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ در این رأی صورت گرفته است. دیوان معتقد است تعهد دولت محل دستگیری مرتکب جرایم شدید بین‌المللی به ارجاع پرونده به مقامات صالح داخلی برای تعقیب کیفری وی، صرف‌نظر از وجود درخواست استرداد از سوی دولت‌های دیگری وجود دارد. در واقع انتخاب میان دو گزینه «استرداد» یا «انجام اقداماتی برای محاکمه متهم» (براساس کنوانسیون منع شکنجه) به معنای وجود

۱. اردبیلی، محمدعلی، «استرداد یا تعقیب»، حقوق بین‌الملل کیفری: گزیده مقالات ۲، چاپ اول، تهران، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۳.

2. Triple Alternative.

۳. دیوان با احراز صلاحیت خود در این قضیه و قابلیت استماع دعوا، به این نتیجه رسید که دولت سنگال با عدم ایفای تعهدات مندرج در بند دوم ماده ۶ کنوانسیون منع شکنجه در مورد «انجام فوری تحقیقات اولیه درباره جرایم ارتكابی ادعا شده علیه حسن هابره (رئیس جمهور سابق چاد)» و همچنین با «عدم ارجاع پرونده حسن هابره به مقامات صلاحیت دار به منظور تعقیب کیفری وی» موجبات نقض بند اول ماده ۷ کنوانسیون را فراهم آورده است. سرانجام با اتفاق آراء نتیجه می‌گیرد که دولت سنگال باید «بدون هیچ گونه تأخیر بیشتری» پرونده آقای هابره را به مقامات صلاحیت دار خود برای تعقیب کیفری و محاکمه ارجاع نماید، البته در صورتی که قصد استرداد او را به بلژیک نداشته باشد.

(Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Summary of the Judgment of 20 July 2012, No. 2012/4 (Para. 122), Invisible on <www.icj-cij.org> Last visited 22 September 2012, p. 15.)

دو جایگزین دارای ارزش برابر نیست. بنابراین درخواست استرداد متهم، گزینه و اختیاری است که می‌تواند دولت میزبان متهم با پذیرش آن، خود را از تعهد به محاکمه رها سازد. در حالی که تعقیب کیفری متهم، فی‌نفسه یک تعهد بین‌المللی (برآمده از کنوانسیون مذکور) محسوب می‌شود که نقض آن مسئولیت بین‌المللی دولت را در پی دارد.^۱

نکته دوم در تبیین رأی مذکور این است که اصطلاح «صلاحیت جهانی» برای مقابله با جنایات بین‌المللی (مانند شکنجه) با چراغ سبز از سوی دیوان مواجه شده است. رأی ۲۰ جولای ۲۰۱۲ دیوان مبنایی برای تنبیه یک دولت از سوی دولت دیگر (حتی در صورت فقدان هیچ ارتباط ملموسی با قضیه) ایجاد کرده است. یکی از دلایلی که دولت سنگال (بنا به درخواست بلژیک) گناهکار شناخته شده است، فقدان قواعد حقوقی مورد نیاز برای محاکمه جنایات بین‌المللی در قوانین داخلی این کشور می‌باشد. بنابراین دیوان بین‌المللی دادگستری با صدور این رأی اهمیت ویژه‌ای برای مبحث صلاحیت جهانی دولت‌ها و به تبع آن، تعهد مذکور در بند اول ماده ۷ کنوانسیون منع شکنجه (قاعده یا استرداد یا محاکمه) قائل شده است تا زمینه امحای بی‌کیفرمانی در سطح بین‌المللی و در ارتباط با جنایات بین‌المللی فراهم گردد. از سوی دیگر براساس حکم صادره در قضیه مذکور، در واقع این اولین باری است که دیوان بین‌المللی دادگستری بر پایبندی یک دولت بر «تعهدات عام‌الشمول مربوط به گروهی از دولت‌ها»^۲ تأکید می‌نماید. پیش از این دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی^۳ تنها یک بار در رأی صادره در قضیه ویمبلدون در ۱۹۲۳ در این باره اظهارنظر کرده بود. دیوان در پاراگراف ۶۸ رأی خود به قضیه بارسلونا تراکشن اشاره می‌کند.^۴ این ارجاع دیوان برای تمایز میان دو مفهوم مندرج در قسمت الف و ب در بند اول ماده ۴۸ در «طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت در زمینه اعمال خلاف بین‌المللی»^۵ می‌باشد. این ماده به استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت دیگر از سوی دولت‌هایی غیر از دولت زیان‌دیده اشاره دارد که در قسمت الف به «تعهدات نقض شده در قبال گروهی از دولت‌ها» و قسمت ب به «تعهدات نقض شده در قبال جامعه بین‌المللی در کل»^۶ می‌پردازد.^۷ بنابراین دیوان تعهد مندرج در

1. Ibid, p.12.

2. Erga omnes partes.

3. PCIJ.

4. Uchkunova, Inna, "Belgium v. Senegal: Did the Court End the Dispute between the Parties?", <<http://www.ejiltalk.org>>, Last visited 20 September 2012, p.1.

5. ARSIWA (The ILC Articles on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts).

۶. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن بطور کامل به آن پرداخته است و آن را تعهد عام‌الشمول (erga omnes) می‌داند که به منافع جمعی دولتهای جامعه بین‌المللی درکل مربوط می‌شود.

(Barcelona Traction, Light and Power Company, Second Phase, Judgment, I.C.J.Reports 1970, p.3, at p.32, para.3).

۷. ابراهیم گل، علیرضا، «مسئولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)»، چاپ اول،

نشر شهر دانش، ۱۳۸۸، صص. ۲۸۲ - ۲۸۰.

کنوانسیون منع شکنجه را (که مورد استناد بلژیک می‌باشد) به عنوان تعهد عام‌الشمول مربوط به منافع جمعی گروهی از دولت‌های عضو کنوانسیون در نظر می‌گیرد و به طور ضمنی این بخش از طرح کمیسیون در مورد مسئولیت بین‌المللی را تبیین می‌نماید.^۱

التهایه می‌توان گفت که رأی دیوان در این قضیه راهنمای مهمی در جهت اجرای تعهدات مندرج در کنوانسیون منع شکنجه محسوب می‌شود و تأکید بر این امر که در اجرای آن، هیچ‌گونه تعویق و اختلافی پذیرفته نخواهد بود. دیوان به سنگال دستور می‌دهد که اقدامات ضروری برای جریان انداختن پرونده مذکور را بر اساس اختیارات صلاحیتی که در جهت محاکمه آقای هابره در اختیار دارد «بدون هیچ‌گونه تأخیر بیشتری» انجام دهد.^۲ «کمیته بین‌المللی در زمینه محاکمه عادلانه حسن هابره»^۳ اعلام نمود که با این تصمیم دیوان، سنگال^۴ برای محاکمه هر چه سریع‌تر آقای هابره تحت فشار قرار گرفته است و این امر نمونه و رویه بسیار مهمی برای ۱۵۰ دولت عضو کنوانسیون منع شکنجه محسوب می‌شود.^۵

۲. کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن قاعده استرداد یا محاکمه

در حقوق بین‌الملل هر پیمانی که میان تابعان نظام بین‌المللی یعنی اعضای جامعه بین‌المللی بسته شود، «معاهده» نام دارد. در زمینه تعریف معاهده می‌توان به بند ۱ ماده ۲

۱. البته قاضی ویژه سور در نظریه مخالف خود با رأی دیوان، این امر را مورد انتقاد قرار می‌دهد. وی معتقد است که صرفاً تعهد به مبارزه با شکنجه دارای این ویژگی «تعهدات عام‌الشمول مربوط به منافع جمعی گروهی از دولت‌ها» می‌باشد و نمی‌توان این ویژگی را که صرفاً به یک تعهد مندرج در کنوانسیون مربوط می‌شود، به سایر تعهدات مانند تعهد به انجام اقدامات مربوط به محاکمه متهم به این جرم نیز تسری داد. رک: (Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Summary of the Judgment of 20 July 2012, No. 2012/4 (Para. 97-98), Invisible on <www.icj-cij.org> Last visited 22 September 2012, pp.17-18.)
2. Bonini, Anna, "ICJ Belgium v Senegal: Temporal Issues and the Prosecution of Torture", <ilawyerblog.com>, Last visited 13 September 2012, p.1.
۳. متشکل از انجمن ترویج و دفاع از حقوق بشر (ATPDH)، انجمن قربانیان جرایم رژیم حسن هابره (AVCRHH)، مجمع آفریقایی برای دفاع از حقوق بشر (RADDHO)، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، و فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر (FIDH).
۴. در راستای اجرای رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، دولت سنگال و اتحادیه افریقا در آگوست ۲۰۱۲، بر ایجاد یک دادگاه ویژه برای محاکمه حسن هابره توافق نموده‌اند. در توافقات منعقد شده در داکار، از سوی وزیر دادگستری سنگال آقای توره و نماینده اتحادیه افریقا آقای دوسو، چهار «دفتر ویژه آفریقایی 'Extraordinary African Chambers'» ملزم به بررسی پرونده آقای هابره شدند (از مرحله رسیدگی مقدماتی تا سطح تجدیدنظرخواهی). این دفاتر توسط قضات آفریقایی با همکاری نمایندگان سنگالی اداره می‌شوند. بودجه‌ای معادل ۸/۶ میلیون یورو برای این امر تخمین زده شده و دادگاه ویژه مذکور تا پایان سال ۲۰۱۲ آغاز به کار نموده تا محاکمه رئیس‌جمهور سابق چاد انجام گیرد.
5. "Senegal: Stop stalling with Habré extradition", <http://www.hrw.org>, Last visited 30 September 2012, p.1.

کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات اشاره نمود.^۱ در مباحث حقوق بین‌الملل، معاهدات به دو صورت کلی (به لحاظ نظم مادی و نظم صوری) طبقه‌بندی شده‌اند. در طبقه‌بندی معاهدات به لحاظ نظم صوری آنها که بر اساس تعداد متعاهدین صورت می‌گیرد، به معاهدات دوجانبه و چندجانبه تفکیک می‌شوند.^۲ در اینجا وجود تعهد به استرداد یا محاکمه در معاهدات چندجانبه بین‌المللی یا منطقه‌ای بررسی شده و بر اساس آن ماهیت معاهداتی این تعهد بیان می‌گردد. «تعهد به استرداد یا محاکمه» در برخی از معاهدات چندجانبه بین‌المللی با هدف تأمین همکاری‌های بین‌الدولی در زمینه مبارزه با انواع خاصی از اعمال مجرمانه بیان گردیده است.^۳ حدود ۲۶۷ کنوانسیون حقوق بین‌الملل کیفری در زمینه مباحث و جنبه‌های گوناگون کیفری وجود دارد که حدود ۱۰۲ کنوانسیون در زمینه «محاکمه» و ۷۱ کنوانسیون در زمینه «استرداد» مقرراتی وضع نموده‌اند.^۴ سازمان عفو بین‌الملل حداقل ۳۷ سند بین‌المللی و منطقه‌ای که در مقررات خود به تعهد به استرداد یا محاکمه اشاره نموده‌اند را نام برده است^۵ و بر اساس گزارش مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، از سال ۱۹۲۹ به بعد، حدود ۷۰ سند بین‌المللی و منطقه‌ای حاوی تعهد مزبور می‌باشند. کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی تعهد به استرداد یا محاکمه در زمینه‌های حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی^۶ (برای مقابله با جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و داخلی) و همچنین در مقابله با یک جرم خاص بین‌المللی وجود دارند.^۷ در گزارش‌های مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل بر این امر تأکید شده است که اجماعی در رابطه با این حقیقت وجود دارد که «معاهدات بین‌المللی» به طور کلی منشأ اصلی تعهد به استرداد یا محاکمه شناخته می‌شوند. از طرفی تعداد معاهدات بین‌المللی حاوی قاعده یا استرداد یا محاکمه

۱. به موجب این ماده: «معاهده عبارت است از توافق بین‌المللی منعقد فی‌مابین دو یا چند دولت که به صورت کتبی منعقد شده و تابع قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد، اعم از اینکه در سند واحد یا در دو یا چند سند مرتبط به هم آمده باشد و صرف نظر از عنوان خاص آن.» البته این ماده صرفاً معاهدات مکتوب بین‌الدولی را بیان نموده است و به معاهدات منعقد میان دولت‌ها با سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی با یکدیگر توجه نشده است و تعریف محدودتری نسبت به تعریف معاهده از دیدگاه عرف ارائه می‌دهد.

۲. فلسفی، هدایت‌الله، «حقوق بین‌الملل معاهدات»، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳، صص. ۹۸ - ۸۸.

3. Bassiouni, Cherif, and Edward Wise, "The Duty to Extradite or Prosecute (Aut dedere Aut judicare)", Martinus Nijhof Publisher, London, 1995, p.3.

4. Bassiouni, Cherif, "International Criminal Law: Multilateral and Bilateral Enforcement Mechanisms", Vol.2, 3rd Edition, Martius Nijhoff Publisher, 2008, p. 41.

5. Amnesty international, International Law commission: The Obligation to Extradite or Prosecute (aut dedere aut judicare), London, February 2009, p.22.

۶. شامل کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل اول و دوم الحاقی آنها.

7. Enache-Brown, Colleen; and Ari Fried, "Universal Crime, Jurisdiction and Duty: The Obligation of Aut dedere Aut Judicare in International Law", MC Gill Law Journal, Vol. 43, 1998, pp. 614-616.

هرساله رو به افزایش است و این امر خود تأکیدی بر وجود ماهیت معاهداتی تعهد به استرداد یا محاکمه در حقوق بین‌الملل می‌باشد. همچنین این افزایش نشان‌دهنده اهمیتی است که اجرای تعهد مذکور برای جامعه بین‌المللی دارد.^۱

این معاهدات بین‌المللی زمینه را برای محاکمه داخلی متهمان به ارتکاب جرایم بین‌المللی از طریق اعمال صلاحیت جهانی فراهم می‌کنند. توسعه مفهوم تعهد به استرداد یا محاکمه، ناشی از اتفاق نظر کلیه دولت‌ها در مورد محاکمه مرتکبان جرایم بین‌المللی مندرج در این معاهدات بر اساس صلاحیت ذاتی دولت می‌باشد. در این مفهوم، اجرای تعهد مذکور از سوی مراجع قضایی داخلی دولت‌ها، در جهت حفظ منافع جامعه بین‌المللی یا منافع دولت‌های عضو معاهدات ذی‌ربط می‌باشد و به عنوان ابزاری برای اجرای متمرکز و منسجم حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد.^۲ کنوانسیون‌های حاوی تعهد به استرداد یا محاکمه که در بردارنده مقرراتی در زمینه یک جرم خاص بین‌المللی می‌باشند در ۲۵ مورد خلاصه می‌شوند.

در مورد تحلیل جامع کنوانسیون‌های چندجانبه حاوی قاعده یا استرداد یا محاکمه می‌توان آنها را در چهار دسته، طبقه‌بندی نمود: ۱- کنوانسیون ۱۹۲۹ در زمینه مقابله با جعل اسکناس و کنوانسیون‌های بعدی دارای تعریف مشابه از تعهد به استرداد یا محاکمه. ۲- کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷. ۳- کنوانسیون‌های منطقه‌ای استرداد مجرمین. ۴- کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در زمینه مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیماها و سایر کنوانسیون‌های دارای تعریف مشابه از تعهد به استرداد یا محاکمه. این طبقه‌بندی، ترکیبی از معیار ماهوی و ترتیب تاریخی کنوانسیون‌های مذکور است. در واقع تحولات مقررات مکتوب در مورد گزینه‌های سنتی تعهد مزبور یعنی استرداد یا محاکمه را منعکس می‌سازد که در بررسی تأثیر کنوانسیون‌های خاصی مانند کنوانسیون ۱۹۲۹ (در زمینه مقابله با جعل اسکناس) یا کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ (در زمینه مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیماها) بر رویه‌های معاهداتی و چگونگی تغییر این مقررات در طول زمان مفید است. از طرف دیگر این دسته‌بندی، برخی شباهت‌های اساسی را در مورد محتوای مقرراتی که در یک دسته قرار دارند، برجسته می‌کرده و فهم قلمرو دقیق این مقررات و مسائل اصلی مذکور در آنها را در زمینه تعهد به استرداد یا محاکمه تسهیل می‌نماید.^۳ هر یک از این چهار دسته از کنوانسیون‌ها، توصیف‌کننده یک یا چند

1. Third Report on the Obligation to Extradite or Prosecute (Aut Dedere Aut Judicare), June 2008, A/CN.4/603, UN.DOC, p. 26.

2. Enache-Brown, Colleen; and Ari Fried, Op. cit, p. 622.

۳. این طبقه‌بندی، در جریان فعالیت کارگروه کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۵، در زمینه بررسی تعهد به استرداد یا محاکمه مورد استفاده قرار گرفته است و پیش از آن نیز، پرفسور بسیونی در بررسی این تعهد در

کنوانسیون کلیدی و اصلی است که به عنوان نمونه و مدل در این زمینه محسوب می‌شوند و بیان‌گر سازوکار خاصی برای مجازات مجرمین هستند. البته فهرستی از کنوانسیون‌های مختلفی که بر اساس تعریف خاص خود از تعهد مذکور در یکی از این چهار دسته جای می‌گیرند، نیز در هر قسمت بیان می‌شود.

۱-۲. کنوانسیون ۱۹۲۹ در زمینه مقابله با جعل اسکناس و کنوانسیون‌های بعدی دارای تعریف مشابه از تعهد به استرداد یا محاکمه

کنوانسیون ۱۹۲۹ در زمینه مبارزه با جعل اسکناس^۱ اولین معاهده‌ای است که جرایم بین‌المللی را با مسأله تعهد به محاکمه متهمانی که به دولت متقاضی استرداد مسترد نمی‌شوند، آشنا ساخته است. تعریف مذکور در این کنوانسیون یک نمونه اولیه محسوب می‌شود که در انعقاد معاهدات پس از آن برای بیان قاعده یا استرداد یا محاکمه مورد استفاده قرار گرفته است. سازوکار پذیرفته‌شده در کنوانسیون مقابله با جعل اسکناس متضمن اصلی است که بر طبق آن «جعل اسکناس در هیچ کجای دنیا نباید بدون مجازات باقی بماند».^۲ در کنوانسیون مبارزه با جعل ۱۹۲۹ برخلاف کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰، اثبات صلاحیت قضایی دولت محل دستگیری در صورت عدم استرداد متهم به دولت متقاضی در هر قضیه و بررسی موردی این صلاحیت ضرورتی ندارد. این مسأله باعث می‌شود که دولت‌ها دیدگاه‌های متفاوتی درباره تناسب اعمال صلاحیت بر جرایم ارتكابی در خارج از سرزمین خود، حتی در موارد عدم پذیرش درخواست استرداد، داشته باشند. بنابراین تعهد به محاکمه در صورت رد درخواست استرداد، مشروط به وضعیت کلی هر دولتی براساس قوانین داخلی خود، در خصوص تناسب صلاحیت فراسرزمینی قابل اعمال با جرم ارتكابی می‌باشد.^۳

در این زمینه، تفاوت میان اتباع دولت محل دستگیری متهم با افراد خارجی حاضر در آن سرزمین وجود دارد، البته با این فرض که کشورهای میزبان از استرداد اتباع خود امتناع می‌ورزند، مشکلی در زمینه محاکمه آنان در مراجع قضایی خود نداشته باشند. بنابراین ماده ۸ کنوانسیون مذکور می‌گوید: زمانی که صرفاً دلیل امتناع از استرداد، تابعیت مجرم باشد (مسأله منع استرداد اتباع^۴)، آن جرم حتی اگر در خارج از سرزمین آن دولت

← سال ۱۹۹۵، در کتاب «تعهد به استرداد یا محاکمه» Aut Dedere Aut Judicare به این طبقه‌بندی اشاره می‌کند. (UN.DOC.A/CN.4/630,op.cit, p.6)

1. The International Conference for the Adoption of a Convention for the Suppression of Counterfeiting Currency, Geneva, 9th April to 20th April 1929 (C.328.M.114.1929.II) , annex III, p. 234.

2. UN.DOC.A/CN.4/630,op.cit, P.7.

3. Bassiouni, Cherif; and Edward Wise, Op. cit, p. 12.

۴. از سال ۱۸۴۰ قواعدی به وجود آمده‌اند که طبق آنها اتباع دولت‌ها از شمول معاهدات استرداد مستثنی گشته، موضوع استرداد مجرمین را تابع حقوق عرفی و آداب و رسوم قرار می‌دهند. به موجب این قاعده سنتی، یک

ارتکاب یافته، باید در قوانین کیفری دولت مزبور «قابل محاکمه و رسیدگی کیفری» باشد و امکان اعمال مجازات بر جرم ارتكابی وجود داشته باشد. ماده ۹ نیز مقرر داشته است: افراد خارجی که مرتکب جرم در خارج از این سرزمین شده‌اند «باید به گونه‌ای مشابه با مرتکبان جرایم در داخل کشور مجازات شوند». این امر تنها در صورتی امکان‌پذیر است که این افراد «در سرزمینی مرتکب جرم شده باشند که قوانین داخلی آن سرزمین، محاکمه جرایم ارتكابی در خارج از آن را به عنوان یک قاعده کلی پذیرفته باشد». یک شرط مکمل نیز در این باره وجود دارد بر اساس آن «این تعهد به محاکمه متهم که مشروط به وجود درخواست استرداد و عدم توانایی دولت محل دستگیری در نگهداری متهم می‌باشد، با وجود دلایل مشابهی که ارتباطی با جرم ارتكابی ندارند نیز ایجاد می‌شود».

مقررات مشابهی در کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر ۱۹۳۶^۱، کنوانسیون مبارزه با تروریسم ۱۹۳۷^۲ (که هرگز لازم‌الاجرا نگردید) و همچنین کنوانسیون مبارزه با قاچاق انسان، بهره‌کشی و فاحشگی اجباری (استثمار جنسی) ۱۹۵۰^۳ وجود داشت. هر چند برخلاف آنچه گفته شد، براساس شرایط مربوط، تفاوت‌هایی در زمینه «قابلیت محاکمه و مجازات» مرتکب جرم در قوانین داخلی دولت‌ها وجود دارد، اما در این کنوانسیون‌ها این مسأله به صورت یک الزام بیان شده است. در واقع دولت‌های عضو بدون توجه به قابلیت محاکمه این جرایم در نظام حقوقی داخلی، ملزم به محاکمه و مجازات مرتکب جرم مذکور در این کنوانسیون‌ها هستند. کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر ۱۹۶۱^۴ نیز جزء دسته اول محسوب می‌شود. البته چگونگی رفتار با متهمانی که جزء اتباع دولت هستند یا حتی افراد بیگانه و غیرتبعه‌ای که در مقررات مجزایی مانند قانون اساسی یا سایر قوانین داخلی دولت‌ها بیان شده است نیز در این کنوانسیون مورد توجه قرار گرفته است (جزء الف از بند ۲ ماده ۳۶). مقررات مشابهی در کنوانسیون مقابله با مواد روانگردان ۱۹۷۱^۵ وجود دارد.

← دولت، تبعه خود را جهت محاکمه و یا مجازات به دولت دیگر مسترد نمی‌کند. این قاعده تقریباً در تمامی کشورهای تابع نظام حقوقی رومی - ژرمنی پذیرفته شده است؛ در حالی که برخلاف آن، در کشورهای پیرو نظام حقوقی کامن‌لا دیده می‌شود که امکان استرداد اتباع در حقوق داخلی آنها اغلب به دلیل فقدان مقررات صریح دال بر ممنوعیت استرداد آنان ناشی می‌گردد. البته در این کشورها نیز این امر به شرط رعایت عمل متقابل توسط کشور متقاضی استرداد صورت می‌گیرد. (خالقی، علی، «قرار جلب اروپایی و تأثیر آن بر حقوق استرداد مجرمین در اتحادیه اروپا»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷، ۱۳۸۴، ص. ۱۶)

1. Convention for the Suppression of the Illicit Traffic in Dangerous Drugs, (1936).
2. Convention for the Prevention and Punishment of Terrorism, (1937).
3. Convention for the Suppression of the Traffic in Persons and of the Exploitation of the Prostitution of Others, (1950).
4. Single Convention on Narcotic Drugs, (1961)
5. Convention on Psychotropic Substances, (1971).

کنوانسیون وین در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر ۱۹۸۸^۱ حالت «دوگانه‌ای»^۲ دارد، اما جزء این دسته قرار می‌گیرد. در حالی که زبان نوشتاری آن همانند کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ است، اما تعریف مذکور در کنوانسیون‌های سابق مربوط به مقابله با مواد مخدر در مورد تعهد به استرداد یا محاکمه را نیز در بردارد. مقررات این کنوانسیون، دولت‌ها را مختار به اعمال صلاحیت فراسرزمینی به متهم غیر تبعه و بیگانه که استرداد او پذیرفته نشده است، می‌نماید (در بند ۹ از ماده ۶ خود).^۳

نکات بارزی که تعریف مذکور از تعهد به استرداد یا محاکمه در کنوانسیون‌های دسته اول را از سایر تعاریف متمایز می‌کند و الزام دولت‌ها را برای انجام اقداماتی در جهت اجرایی شدن این تعهد در نظام حقوقی ملی در بر دارد، شامل: (۱) جرم‌انگاری جرایم خاصی که دولت‌های عضو متعهد به قابل مجازات کردن آنها در حقوق داخلی خود هستند. (۲) بررسی مقررات ملی مربوط به استرداد یا محاکمه در میان دولت‌ها (نظرات مختلفی میان دولت‌ها در رابطه با استرداد اتباع و اعمال صلاحیت فراسرزمینی بر جرایم ارتكابی از سوی افراد بیگانه و همچنین تجویزی یا اجباری بودن صلاحیت فراسرزمینی دولت‌ها برای محاکمه وجود دارد). (۳) تقدم و اولویت تعهد به استرداد متهم به دولت متقاضی استرداد، بر تعهد به محاکمه متهم در مراجع قضایی داخلی دولت محل دستگیری (تعهد به محاکمه یک تعهد جایگزین است و به صورت ابتدایی برای دولت مزبور وجود ندارد). (۴) اعمال مقررات داخلی دولت محل دستگیری برای استرداد متهم، بررسی شروط خاص و ممنوعیت‌های استرداد، همچنین توجه به امکان یا عدم امکان استرداد مرتکب جرم. (۵) تعیین مقرراتی برای محدود کردن تعدی از مقررات کنوانسیون نسبت به دولت‌های عضوی که مسأله صلاحیت کیفری دولت‌ها برای محاکمه را به حقوق بین‌الملل مرتبط نمی‌دانند و آن را یک امر داخلی صرف می‌شناسند. (۶) توجه به شرط عدم امکان محاکمه مرتکبان برخی جرایم در قوانین کیفری و نظام اداری بعضی دولت‌های عضو کنوانسیون ذی‌ربط.^۴

۲-۲. کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ یک نمونه مناسب برای توسعه مفهوم صلاحیت جهانی به واسطه طرح مسأله «تعهد به استرداد یا محاکمه مرتکبان جرایم خاص بین‌المللی» هستند.^۵ هر چهار کنوانسیون در ماده‌ای مشترک^۶ سازوکار شناخته‌شده‌ای را برای محاکمه

1. Convention for the Suppression of the Illicit Traffic in Dangerous Drugs, (1988).

2. Hybrid.

3. Bassiouni, Cherif; and Edward Wise, Op.cit, p.14.

4. UN.DOC.A/CN.4/630, Op. cit, p.12.

5. Enache-Brown, Colleen; and Ari Fried, Op.cit, p. 622.

۶. ماده ۴۹ کنوانسیون ژنو در زمینه بهبودی شرایط بیماران و مجروحان جنگ زمینی در میدان جنگ، ۱۲

اگوست ۱۹۴۹. ماده ۵۰ کنوانسیون ژنو در زمینه بهبودی شرایط بیماران و مجروحان و کشتی‌شکستگان در

متهمان به نقض فاحش مقررات این کنوانسیون‌ها مقرر می‌کنند و تضمین‌کننده این سازوکار، وجود «اصل صلاحیت جهانی» برای نقض فاحش مقررات این کنوانسیون‌ها می‌باشد. بنابراین تعهد به انجام اقداماتی برای اجرای تعهد مذکور برضد متهمان، مشروط به وجود هیچ‌گونه صلاحیت کیفری دیگری که ناشی از ارتباط جرم ارتكابی با دولت محل دستگیری متهم باشد، نخواهد بود. در زمینه مبارزه با جرم نقض فاحش مقررات کنوانسیون مزبور این‌گونه بیان گردیده است که «... هر یک از دول عضو باید بر اساس تعهد خود، مرتکبان یا مأموران به ارتكاب جرم نقض فاحش مقررات این کنوانسیون را یافته و این متهمان را صرف‌نظر از تابعیت‌شان، به مراجع قضایی ذی صلاح داخلی برای رسیدگی مناسب به جرم ارتكابی ارجاع دهند. البته دول عضو می‌توانند مسأله استرداد متهمان به دولت متقاضی را ترجیح داده و بر اساس مقررات داخلی خود، این افراد را برای محاکمه در مراجع قضایی دولت دیگری به دولت متقاضی استرداد مسترد نمایند. این دولت عضو نیز صلاحیت ابتدایی^۱ خود را برای محاکمه متهم شناسایی می‌کند.»^۲

دومین ویژگی کنوانسیون‌های مذکور در دسته دوم، وجود تعهد ابتدایی به محاکمه متهم برای دولت‌های عضو و امکان استرداد به عنوان یک تعهد جایگزین می‌باشد. به عبارت بهتر، تعهد برای تعقیب و محاکمه متهمان به ارتكاب جرم مذکور در کنوانسیون‌ها، صرف‌نظر از وجود یا عدم وجود هرگونه درخواست استرداد دولت دیگری وجود دارد.^۳ در این صورت، نیازی به وجود یک تقاضای استرداد برای ایجاد تعهد به استرداد یا محاکمه نخواهد بود و به صرف دستگیری متهم به ارتكاب جرایم بین‌المللی مذکور در سرزمین دولت عضو، امکان محاکمه او برای دولت محل دستگیری به وجود می‌آید.

۲-۳. کنوانسیون‌های منطقه‌ای استرداد مجرمین

این دسته شامل معاهدات استرداد خاص هستند که لزوماً به جرایم بین‌المللی مربوط نمی‌شوند. این معاهدات نیز بحث محاکمه داخلی متهمان را در صورت نپذیرفتن استرداد آنان از سوی دولت میزبان مطرح می‌کنند. هدف اولیه معاهدات استرداد، حل مشکلی است که برای برخی از دولت‌ها در صورت رد درخواست استرداد اتباع‌شان وجود دارد. برای نمونه، کنوانسیون اروپایی استرداد ۱۹۵۷ می‌گوید: «اگر دولت‌های عضو از استرداد اتباع خود امتناع ورزیدند، باید پرونده را به مراجع قضایی صلاحیت‌دار برای رسیدگی مناسب ارجاع دهند». ظاهراً این مسأله منشأ تعریف موجود در ماده ۷

← دریا، ۱۲ آگوست ۱۹۴. ماده ۱۲۹ کنوانسیون ژنو در زمینه رفتار با اسرای جنگی، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹. ماده ۱۲۹ کنوانسیون ژنو در زمینه حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، ۱۲ آگوست ۱۹۴۹.

1. *prima facie*.
2. Bassiouni, Cherif; and Edward Wise, Op.cit, p.15.
3. UN.DOC.A/CN.4/630, Op.cit, p.18.

کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در زمینه مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیماها می‌باشد که می‌گوید: «دولتی که هواپیما را مسترد نمی‌سازد، باید قضیه را به مراجع قضایی صالح برای محاکمه متهم مربوط ارجاع نماید.» البته مطالب مشابه بسیاری را می‌توان در معاهدات استرداد دو یا چندجانبه حاوی قاعده عدم استرداد اتباع دولت یافت.^۱

۲-۴. کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در مورد مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما^۲ و سایر کنوانسیون‌های دارای تعریف مشابه از تعهد به استرداد یا محاکمه

دسته چهارم از معاهدات حاوی تعهد به استرداد یا محاکمه، کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ و توافقات بعدی همانند آن است. سازوکار مجازات مجرمان که توسط کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در مورد مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما مطرح گردید، به عنوان نمونه و مدل در اغلب کنوانسیون‌های معاصر در زمینه مقابله با یک جرم خاص بین‌المللی اعمال شده است.^۳ کنوانسیون لاهه برخلاف معاهداتی که از تعریف مذکور در کنوانسیون مبارزه با جعل ۱۹۲۹ تبعیت نموده‌اند (دسته اول) ایجاد تعهد به محاکمه متهم برای دولت‌های عضو را تابع وجود قوانین ملی در مورد اعمال صلاحیت فراسرزمینی آنها نمی‌داند. تنها لازم است که دولت‌های عضو آمادگی اعمال صلاحیت قضایی خود را بر هواپیمارایان، در تمامی مواردی که استرداد آنان صورت نمی‌گیرد، داشته باشند. مسأله تعهد به محاکمه این دولت‌ها، در صورت عدم پذیرش درخواست استرداد در ماده ۷ کنوانسیون آمده است: «دولت عضو که در سرزمین خود متهمان را دستگیر می‌کند، در صورت عدم استرداد آنان، باید بدون استثناء و بدون توجه به محل ارتکاب جرم (که در آن سرزمین بوده یا خارج از سرزمین)، قضیه را برای محاکمه به مراجع قضایی صالح ارجاع نماید. این مراجع قضایی نیز باید برای محاکمه این جرایم بین‌المللی با روشی مشابه روش رسیدگی به جرایم عادی دارای کیفیات مشدده در نظام داخلی خود، تصمیم‌گیری نمایند.»

بر سر الفاظ مذکور در ماده ۷ در لحظات پایانی مذاکرات مربوط به تصویب کنوانسیون لاهه توافق شده است. نویسندگان کنوانسیون مذکور تا حد امکان سعی نمودند تا از ایجاد «مکان امنی» در جهان برای هواپیمارایان که زمینه را برای رهایی این مجرمان بین‌المللی از مجازات عملشان فراهم نماید، اجتناب ورزند. چند راه‌حل در این مذاکرات مطرح شده بود. آنچه که در نهایت مذاکره‌کنندگان با آن موافقت نمودند، تعهد به استرداد متهم و در صورت عدم استرداد جایگزین آن را (یعنی ارجاع قضیه (بدون استثناء) به

1. Bassiouni, Cherif; and Edward Wise, Op.cit, p.11.

2. Convention for the Suppression of Unlawful Seizure of Aircraft, The Hague, 16 December 1970. United Nations, Treaty Series, vol. 860, p. 105.

3. UN.DOC.A/CN.4/630, P.35.

مراجع قضایی داخلی صلاحیت‌دار برای محاکمه) انجام می‌دهند و این‌گونه محاکمات، براساس همان روش صلاحیتی در زمینه «جرایم عادی با ماهیت شدید» موجود در «قانون محل تشخیص^۱» صورت می‌گیرد.^۲

ساختار تعهد ایجادشده در کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در یک‌سری توافقات بعدی در زمینه مبارزه با جرایم خاص بین‌المللی تحت توجهات سازمان ملل متحد و نمایندگان ویژه آن، لحاظ گردید. در ماده ۷ کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱ در زمینه مقابله با اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوانوردی غیرنظامی، در ماده ۷ کنوانسیون نیویورک ۱۹۷۲ در زمینه جرایم علیه افراد تحت حمایت بین‌المللی، ماده ۸ (بند ۱) کنوانسیون مبارزه با گروگان‌گیری ۱۹۷۹، ماده ۱۰ کنوانسیون حمایت فیزیکی از مواد هسته‌ای ۱۹۸۰، ماده ۷ (بند ۲) کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴، ماده ۱۰ کنوانسیون رم ۱۹۸۸ در زمینه امنیت هوانوردی نظامی، ماده ۱۲ کنوانسیون مربوط به استخدام مزدور ۱۹۸۹. هر کدام بر زبان و تعریف ماده ۷ کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ تأکید دارند که تعهد به استرداد متهم یا ارجاع او به مراجع قضایی صلاحیت‌دار داخلی برای محاکمه می‌باشد.^۳

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید که تغییر در تعریف و راه‌حل کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰، در کنوانسیون وین ۱۹۸۸ در زمینه مبارزه با قاچاق مواد مخدر (به دلیل ساختار دوگانه آن) به کار گرفته شده است. در این کنوانسیون تعهد ارجاع پرونده به مراجع قضایی برای محاکمه، یک تعهد جایگزین محسوب می‌شود نه یک تعهد ابتدایی و تنها زمانی که پای اتباع دولت در میان باشد، دولت اعمال صلاحیت فراسرزمینی را برای محاکمه تبعه خود انتخاب می‌کند. البته تغییرات دیگری نیز در تعریف قاعده یا استرداد یا محاکمه ایجاد شده است که در کنوانسیون‌های منطقه‌ای متعدد مشاهده می‌شود. کنوانسیون مبارزه با تروریسم سازمان کشورهای آمریکایی ۱۹۷۱، کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم ۱۹۷۷، کنوانسیون منع شکنجه سازمان کشورهای آمریکایی ۱۹۸۵. در این کنوانسیون‌های منطقه‌ای تعهد ارجاع پرونده به مراجع قضایی برای محاکمه صرفاً در صورت رد درخواست استرداد مطرح می‌شود، در حالی که کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ بر تعهد ابتدایی به محاکمه متهم دستگیر شده تأکید دارد و تفاوتی ندارد که درخواست استرداد از سوی دولت محل وقوع جرم (یا هر دولت دیگری که منافع صلاحیتی خاص برای محاکمه دارد) صورت بگیرد یا تقاضای استرداد وجود نداشته باشد.

علی‌رغم این تغییرات، حدود دو قرن از وجود تعریف و راه‌حل اصلی (تعهد به «استرداد» یا «ارجاع قضیه به مراجع قضایی صلاحیت‌دار داخلی برای محاکمه») می‌گذرد.

1. Lex Loci Deprehensionis.
2. Bassiouni, Cherif; and Edward Wise, Op. cit, pp. 16-17.
3. Ibid, p. 17.

تعریف مذکور در کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در اغلب معاهدات چندجانبه بعدی که برای مبارزه با جرم بین‌المللی مشخصی تبیین شده، آمده است و تنها استثنا در این زمینه کنوانسیون مبارزه با تبعیض نژادی (آپارتاید) ۱۹۷۳ می‌باشد.^۱ تعریفی که در کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ آمده، با ترکیب قاعده یا استرداد یا محاکمه با مسأله «مبارزه جهانی با اقدامات تروریستی» بسیار تقویت گردیده است. «اصل مبارزه جهانی»^۲ را نباید با اصل صلاحیت جهانی دولت‌ها یا صلاحیت جهانی نهادهای قضایی اشتباه گرفت. اصل مبارزه جهانی در این مفهوم به عنوان نتیجه اجرای تعهد به استرداد یا محاکمه میان دولت‌های ذی‌ربط محسوب می‌شود و دیگر جایی برای فرار مجرمان از مسئولیت کیفری اعمالشان، که اصطلاحاً «مکان امن» گفته می‌شود، وجود نخواهد داشت.^۳

از سوی دیگر، بر اساس تعریف کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰، دولت‌های عضو متعهد به انجام تمام مراحل رسیدگی کیفری نیستند، بلکه تنها «تعهد به ارجاع پرونده به مراجع قضایی صلاحیت‌دار داخلی برای محاکمه» دارند. این مراجع قضایی صلاحیت‌دار هستند که باید برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی، به همان شیوه‌ای تصمیم‌گیری نمایند که برای جرایم عادی دارای کیفیات مشدده در نظام حقوقی داخلی خود، حکم اتخاذ می‌کنند. بنابراین اگر پس از ارجاع پرونده به آنها، مدارک و شواهد موجود، بیانگر عدم وجود صلاحیت ابتدایی این مراجع برای محاکمه متهم باشد و رسیدگی واقعی انجام نشود، نقض کنوانسیون مزبور صورت نگرفته است. در واقع دولت به صرف ارجاع پرونده به مرجع قضایی مناسب، تعهد بین‌المللی خود را براساس کنوانسیون مزبور انجام داده است. از سوی دیگر، این کنوانسیون، تعهد به انجام کلیه اقدامات لازم برای استرداد متهم را در بر ندارد، بلکه صرفاً به تسهیل استرداد متهم در مورد جرایم قابل استرداد، در معاهدات استرداد میان دولت‌های عضو یا معاهدات استردادی که در آینده منعقد می‌گردند، اشاره دارد.

راه‌حل مذکور در کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ در جهت اجرای تعهد به استرداد یا محاکمه، اعمال اصل صلاحیت جهانی را مطرح می‌سازد، اما هیچ‌گونه تقدم و تأخر صلاحیتی، به عبارت دیگر سلسله مراتب صلاحیتی را برای دولت‌ها مقرر نمی‌کند. بنابراین دولت محل دستگیری متهم این حق را دارد که صرف‌نظر از نوع صلاحیت دولت متقاضی استرداد و میزان ارتباط جرم ارتكابی با دولت مزبور از استرداد متهم امتناع ورزیده و متهم را بر اساس ادعای هر نوع صلاحیت کیفری خود، به مراجع قضایی صلاحیت‌دار داخلی برای محاکمه ارجاع نماید.

1. Bassiouni, Cherif; and Edward Wise, Op. cit, pp.17-18.

2. The Principle of Universality of Suppression.

3. Preliminary Report on the obligation to extradite or prosecute (Aut Dedere Aut Judicare) of 7 June 2006, UN.DOC, A/CN.4/571, P.6.

نکات بارز در تعریف مندرج در کنوانسیون‌های دسته چهارم که دولت‌ها را ملزم به انجام اقدامات مقتضی می‌نماید: (۱) جرم‌انگاری جرایم مربوط که دولت‌های عضو متعهد به قابل مجازات کردن آنها در حقوق داخلی خود هستند. (۲) وضع مقرراتی که دولت را متعهد به انجام اقدامات ضروری برای ایجاد صلاحیت بر جرایمی نماید که براساس قانون سابق، ارتباط مشخصی میان دولت مزبور با آن جرم ارتكابی وجود نداشته است، مانند صلاحیتی که دولت محل وقوع جرم، دولت متبوع متهم یا مجنی‌علیه برای محاکمه از آن بهره‌مند هستند. (۳) تعیین مقررات مربوط به انجام اقداماتی در جهت دستگیری متهم و انجام مراحل ابتدایی کشف جرم و تعقیب متهم. (۴) وضع مقرراتی که دولت محل دستگیری متهم را در صورت عدم قبول استرداد او ملزم به ارجاع پرونده به مراجع قضایی صالح برای رسیدگی عادلانه می‌نماید. (۵) تعیین مقرراتی برای دولت‌های عضو کنوانسیون که در شرایط خاصی، برخی جرایم را قابل استرداد در نظر بگیرند.^۱

دولت‌ها در روند مذاکرات مربوط به تصویب کنوانسیون‌های پیشین، این نگرانی را داشتند که مقررات مندرج در این کنوانسیون‌ها از اصول اساسی دولت‌ها که در نظام حقوقی ملی‌شان وجود دارد، تجاوز نکنند. به خصوص در زمینه وضعیت مقررات داخلی دولت‌ها در مورد صلاحیت کیفری و اعمال صلاحیت فراسرزمینی برای محاکمه متهمان که از مسائل مهم حقوق بین‌الملل کیفری می‌باشد. در نتیجه، ساختار محاکمه متهمان در این کنوانسیون‌ها دارای روزه‌های گوناگونی است که قلمرو تعهد استرداد یا محاکمه را محدود می‌سازد. برای حل مسأله مذکور و مسدود ساختن راه‌های گریز از این مقررات معاهداتی، در کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ و کنوانسیون‌های بعدی، یک نظام دولایه‌ای از صلاحیت برای محاکمه را ایجاد کرده‌اند. براساس این نظام صلاحیتی دولایه، لازم است هر دولتی که با جرم ارتكابی ارتباط دارد و صلاحیتی برای محاکمه متهم دارا شده، در اجرای صلاحیت خود به ادعای صلاحیت دولت‌های دیگر توجه نماید. در واقع برای دولت عضو، در مواردی که می‌خواهد صلاحیت خود را اعمال کند و متهم را مسترد نساخته تا در مراجع قضایی داخلی محاکمه نماید، سنجش صلاحیت کیفری دولت‌های مدعی صلاحیت برای انجام محاکمه ضرورت خواهد داشت. بنابراین، این کنوانسیون‌ها مانند کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی اول آن، تعهد به اعمال صلاحیت جهانی را صرفاً در شرایط خاصی پذیرفته‌اند.^۲ با توجه به بررسی قاعده یا استرداد یا محاکمه مندرج در طبقات چهارگانه بیان شده از معاهدات چندجانبه بین‌المللی، ترسیم نتایج کلی برای تعیین قلمرو دقیق این تعهد

1. UN.DOC/CN.4/630, Op. cit, p. 44.

2. Report on the work of its fifty-ninth session ILC (7 May to 5 June and 9 July to 10 August 2007), General Assembly, Official Records, Sixty-second Session, Supplement No. 10 (UN.DOC, A/62/10), p.20.

معاهداتی که دولت‌ها را ملزم به دو گزینه استرداد یا محاکمه افراد متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی می‌نماید، امر دشواری است. در واقع دستیابی به نتایج کلی برای بیان قلمرو دقیق این قاعده نیازمند به بررسی موارد گوناگونی در تمامی این معاهدات می‌باشد، مواردی مانند: (۱) بررسی مسائل مربوط به مفهوم دقیق تعهد به استرداد یا محاکمه در هر معاهده و بررسی شرایط امکان اجرای تعقیب کیفری و محاکمه متهم، برای مثال بررسی حدود اختیارات مراجع قضایی داخلی دولت‌های عضو در رسیدگی کیفری به ارتکاب جرایم مهم و شدید یا جنایات بین‌المللی. (۲) مبنای حقوقی استرداد و بررسی قابلیت پذیرش استرداد متهم در نظام داخلی دولت‌های عضو؛ برای مثال امکان یا عدم امکان بررسی چندین درخواست استرداد از سوی دولت‌های مختلف، استانداردهای بار اثبات دلیل، شروط و استثنائات مربوط به اجرای آن. (۳) بررسی رابطه میان دو گزینه استرداد و محاکمه در این قاعده حقوق بین‌الملل کیفری، ارزیابی تقدم و اولویت یکی از گزینه‌های استرداد یا محاکمه بر دیگری. (۴) بررسی رابطه تعهد مذکور در این معاهدات با سایر اصول صلاحیت کیفری، مانند صلاحیت جهانی، صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی و غیره. (۵) دستیابی به اطلاعات کافی در زمینه چگونگی اجرای تعهد به استرداد یا محاکمه در جامعه بین‌المللی با توجه به تعاریف متعدد و ارائه راه‌حل‌های خاص در هر دسته از معاهدات چندجانبه مذکور. (۶) در نهایت بررسی مسأله امکان وجود گزینه سوم در تعهد به استرداد یا محاکمه برای تحویل متهم به یک مرجع بی‌طرف (مانند مرجع کیفری بین‌المللی یا دولت ثالث) برای تعقیب و رسیدگی کیفری می‌باشد.

با بررسی رویه معاهداتی در تمامی این زمینه‌ها به نظر می‌رسد که میزان اختصاص مقررات کنوانسیون‌های مختلف به تنظیم این مسائل، بسیار متفاوت بوده و اندک کنوانسیون‌هایی هستند که ساختار یکسانی (در مورد رابطه میان استرداد یا محاکمه) برای مجازات مجرمین بین‌المللی داشته باشند. البته گوناگونی و تفاوت مقررات مربوط به تعهد به استرداد یا محاکمه در معاهدات مختلف، با وجود چند عامل مشخص می‌شوند. عواملی مانند: ۱- چارچوب جغرافیایی، رسمی و موضوعی در مذاکرات مربوط به تصویب هر کنوانسیون، ۲- توجه به تقدم وجود کنوانسیون‌های دیگر با تعریف خاص خود از تعهد مذکور در همان منطقه، ۳- وجود روابط خاص میان نمایندگان در سطح مذاکرات مربوط به تصویب کنوانسیون‌ها، ۴- بررسی مسائل ویژه ناشی از ماهیت جرایم و جنایات بین‌المللی در جریان مخاصمات مسلحانه که در کنوانسیون ذی‌ربط وجود دارد. ۵- در نتیجه، به وجود آمدن تحول کلی در تدوین این موارد، به دلیل در نظر گرفتن مسائل جدید ناشی از رویه دولت‌ها که توسعه بخش‌هایی در حقوق بین‌الملل، مانند حقوق بشر و عدالت کیفری بین‌المللی را در پی داشته است. در حالی که ممکن است برخی تمایلات کلی و جنبه‌های

عمومی در مقررات مندرج در این معاهدات وجود داشته باشند، در واقع موارد استثنایی در زمینه قلمرو دقیق این مقررات، نیاز به بررسی موردی خواهد داشت.^۱

در پایان به نظر می‌رسد که تحولات دو دهه اخیر، تأثیر خود را بر تنظیم معاهدات بین‌المللی بخشیده و گزینه استرداد یا محاکمه از چارچوب سنتی خود فاصله گرفته و زمینه برای ایجاد گزینه سوم فراهم گردیده است. همچنان که می‌توان نشانه‌های این تحول را در یکی از جدیدترین معاهدات یعنی کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری ۲۰۰۶ مشاهده نمود. در این رابطه، ماده ۱۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «دولت عضوی که فرد متهم به ارتکاب جرم ناپدیدسازی اجباری در سرزمین تحت صلاحیت آن یافت شده است، اگر برابر تعهدات بین‌المللی خود، فرد را مسترد یا تحویل به دولت دیگری یا دیوان بین‌المللی کیفری با صلاحیت مشخص و مقرر نماید، باید پرونده را برای تعقیب به مقامات صالح خود تسلیم کند.» بنابراین دولت عضو می‌تواند در اجرای تعهد قراردادی خود از هر سه طریق مذکور اقدام نماید.^۲

۳. «قاعده استرداد یا محاکمه» در نظام حقوقی ایران

همان‌گونه که پیش از این بیان گردید، قاعده یا استرداد یا محاکمه متضمن تعهدی دوگانه برای دولت‌هاست. نخست، برقراری یا تثبیت صلاحیت فراسرزمینی نسبت به جرایم خاص در نظام حقوقی داخلی و دوم، تعهد به اجرای یکی از دو گزینه استرداد یا محاکمه متهم به ارتکاب جنایت بین‌المللی. بنابراین بدیهی است که دولت‌هایی که کنوانسیون‌های حاوی تعهد مذکور را تصویب می‌کنند و از سوی مراجع قانون‌گذاری داخلی می‌پذیرند، در صورتی که چنین صلاحیتی را در قوانین داخلی خود برای تعقیب جرایم مربوط مقرر نکرده باشند، نمی‌توانند در انتخاب گزینه تعقیب و محاکمه، موضوع را به مرجع قضایی صالح داخلی ارجاع نمایند. در این باره این معاهدات بین‌المللی، تعهدات گوناگونی از جمله اقدام تقنینی دولت‌های عضو را ضروری تشخیص داده‌اند. با فرض وجود صلاحیت رسیدگی است که تعهد به استرداد یا محاکمه معنا پیدا می‌کند، در غیر این صورت دولتی که متهم به ارتکاب جرم در قلمرو او دستگیر شده است، ملزم به استرداد وی به دولتی می‌شود که چنین صلاحیتی را به موجب قوانین و مقررات داخلی خود ایجاد نموده است.

در همین زمینه در نظام حقوقی کشورمان می‌توان چندجانبه متعددی را که دولت ایران در سطح بین‌المللی پذیرفته و در نظام حقوقی داخلی به درستی تصویب

1. UN.DOC, A/CN.4/630, Op. cit, p. 45.

۲. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، صص. ۱۳۶ - ۱۳۵.

شده‌اند را فهرست نمود. فهرستی از معاهدات بین‌المللی حاوی شرط «یا استرداد یا محاکمه» که به تصویب مرجع قانون‌گذاری رسیده است:

۱. کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ که در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۳۴ در مجلس شورای ملی تصویب شده است.
 ۲. معاهده واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ نیویورک، مصوب ۱۸ تیر ۱۳۵۱ در مجلس شورای ملی ایران.
 ۳. کنوانسیون لاهه ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ در مورد مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما که در ۲۷ آذر ماه ۱۳۵۰ در مجلس شورای ملی تصویب شد.
 ۴. کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیرقانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری، ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ در مونترال امضاء شد و در ایران در تاریخ ۱۳۵۲/۳/۷ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.
 ۵. کنوانسیون مواد روانگردان ۲۱ فوریه ۱۹۷۱، مصوب ۲۶ خرداد ۱۳۷۷ در مجلس شورای اسلامی ایران.
 ۶. پروتکل اصلاحی معاهده واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ که در ۱۴ مرداد ماه ۱۳۸۰ در مجلس شورای اسلامی ایران تصویب شده است.
 ۷. کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی مانند مأموران سیاسی، ۱۴ دسامبر ۱۹۷۳ امضاء شد و در ایران در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۸ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.
 ۸. کنوانسیون بین‌المللی مقابله با گروگانگیری ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، که در ۳ خرداد ماه ۱۳۸۵ قانون الحاق ایران به کنوانسیون علیه گروگانگیری با یک ماده واحد و یک شرط بر ماده ۱۶ (بند ۱) معاهده، در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.
 ۹. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روانگردان، ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ در وین امضاء شد و در ایران در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید که در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۷ به تأیید شورای نگهبان رسیده است.
- بنابراین با توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی حاوی ماده‌ای در خصوص تعهد دولت ایران به اعمال قاعده یا استرداد یا محاکمه متهم دستگیرشده در این کشور بیان شده، در جهت اجرای معاهدات مذکور چند نکته حائز اهمیت می‌باشد. اول اینکه صلاحیت کیفری لازم برای دادگاه‌های ایران به موجب قانون و در زمینه جرایمی که در صورت امتناع از استرداد متهم باید در مراجع قضایی داخلی تعقیب و رسیدگی شود، در نظر گرفته شود.

در واقع این صلاحیت، صلاحیتی فراسرزمینی نسبت به جرایمی است که تبعه بیگانه در خارج از قلمرو ایران مرتکب شده و هم اکنون در قلمرو کشور یافت یا دستگیر شده است. همانند دیگر صلاحیت‌های مذکور در حقوق بین‌الملل کیفری (صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی)، صلاحیت فراسرزمینی (با توجه به محل وقوع جرم در خارج از قلمرو دولت)، یعنی صلاحیت رسیدگی دادگاه‌های داخلی به جرایمی که ارتباط لازم را با دولت ایران نداشته و باید در قوانین این کشور صلاحیت تعقیب و رسیدگی به این گونه جرایم تصریح گردد.

در ضمن لزوم رعایت «اصل قانونی بون جرایم و مجازات‌ها» ایجاب می‌کند که در مورد نقض یکایک قواعد مندرج در این معاهدات جرم‌انگاری و ضمانت‌های اجرایی مؤثر تعیین گردد. در واقع آنچه در اغلب معاهدات با ذکر «تدابیر لازم یا تقنینی» در مقام تعیین تکلیف دولت‌های عضو آمده، مفید همین معناست.^۱ در صورت عدم اتخاذ تدابیر لازم، دولت متعاقد با نقض تعهد قراردادی در سطح بین‌المللی مواجه می‌گردد که این امر مسئولیت بین‌الملل دولت را در پی خواهد داشت، زیرا به صرف تصویب این کنوانسیون‌های بین‌المللی در نظام حقوقی داخلی، دولت‌ها الزام خود را بر انجام اقدامات و تدابیر لازم در جهت اجرایی شدن مقررات کنوانسیون‌ها ابراز می‌نمایند و بایستی تمامی اقدامات ضروری برای اجرای بهتر این معاهدات را در نظام حقوقی خود انجام دهند. در واقع با جرم‌انگاری این جرایم مندرج در کنوانسیون‌ها، دولت متعاقد زمینه لازم را برای تعقیب و محاکمه جرم در دادگاه‌های داخلی خود فراهم می‌کند تا با استفاده از یک روند دادرسی عادلانه و منصفانه به مقابله با ارتکاب جرایم شدید و مهم بین‌المللی همت گمارد و از بی‌کیفر ماندن مرتکبان این اعمال وحشیانه در سطح بین‌المللی اجتناب نماید.

البته مطلب دیگری که اهمیت ویژه‌ای در نظام حقوقی ایران دارد و در واقع یک خلاء حقوقی محسوب می‌شود این است که قانون‌گذار ایرانی در ماده‌ای پر ابهام (ماده ۹ قانون مجازات اسلامی) پذیرفته است که «هرگاه جرمی به موجب قانون خاص و معاهدات بین‌المللی ارتکاب یافته و مقرر شده است که مرتکب در هر کشوری که به دست آید همان جا محاکمه شود (توجه به اصل صلاحیت جهانی)، چنانچه وی در ایران دستگیر شود مطابق قوانین این کشور محاکمه خواهد شد.» بنابراین این ماده صرفاً به تعهد به محاکمه در اعمال صلاحیت جهانی در مورد جرایم بین‌المللی توجه نموده و از گزینه دیگر این قاعده یعنی تعهد به استرداد سخنی به میان نیاورده است.^۲ این نقیصه زمانی نمود بیشتری می‌یابد که محاکم داخلی به دلیل فقدان مستند قانونی جرم و مجازات، صلاحیت

۱. اردبیلی، محمدعلی، منبع پیشین، ص. ۱۳۷.

۲. همان، ص. ۱۳۸.

رسیدگی به این قبیل جرایم را نداشته باشند و استرداد مرتکب در صورت وجود درخواست استرداد از طرف دولت‌های دیگر، تنها راه گریز ایران برای اجرای تعهد بین‌المللی مذکور باشد و در واقع مجرای قانونی برای استرداد متهم مسدود گردیده است. در فرض دیگری نیز که دولت ایران به دلایلی مانند سیاسی بودن نوع اتهام از استرداد مرتکب امتناع ورزد و یا هیچ درخواست استردادی دریافت نکرده باشد، تعقیب و محاکمه مرتکب دستگیر شده در این کشور، در مراجع قضایی داخلی امکان نخواهد داشت. حال آنکه غرض از وضع چنین مقرراتی در معاهدات بین‌المللی و پذیرش آن از سوی دولت‌های متعدد در جهت جلوگیری از فرار و بی‌کیفر ماندن بزهکارانی است که مکانی امن برای خود جستجو می‌کنند.

بنابراین لازم است در ادامه این ماده، قانون‌گذار این نکته را اضافه نماید که اگر دادگاه ایران که بر اساس اصل صلاحیت جهانی، صالح شناخته شود به هر دلیل پیش‌بینی شده در قانون، تمایلی به رسیدگی در خصوص موضوع را نداشته باشد، می‌بایست متهم یا مظنون را مسترد کند و همچنین ترتیب اینکه متهم را به چه کشوری و بر اساس چه معیاری و یا به یک مرجع بین‌المللی کیفری و بر اساس چه معیاری مسترد کند نیز مشخص شود. از سوی دیگر آنچه‌آنچه که در ماده ۹ ق.م.ا. آمده است، نباید به صرف پیش‌بینی عهود و معاهدات بین‌المللی کفایت گردد، زیرا دادگاه ایرانی می‌بایست به موجب قانون ایران، صالح به رسیدگی شناخته شود و معاهدات بین‌المللی قادر به اعطای صلاحیت آن چنانکه مد نظر دادگاه‌های داخلی است، نمی‌باشند. زیرا بر اساس اصل کلی قانون دولت متبوع قاضی حاکم بر قضیه است و قاضی بر اساس قوانین درون مرزی خود باید به پرونده‌های کیفری رسیدگی نماید و صلاحیت فراسرزمینی و اعمال مقررات بین‌المللی نیازمند تصریح در قانون داخلی وی خواهد بود.

در زمینه وجود گزینه سوم در قاعده یا استرداد یا محاکمه که همان «تحویل متهم به ارتکاب جرایم مهم و جنایات بین‌المللی به دیوان بین‌المللی کیفری» می‌باشد، با توجه به اینکه ایران اساسنامه رم ۱۹۹۸ که سند مؤسس دیوان بین‌المللی کیفری محسوب می‌شود، امضاء نموده، ولی هنوز مجلس شورای اسلامی آن را تصویب نکرده و وارد نظام حقوقی داخلی ایران نشده است^۱، بنابراین این خلاء در نظام حقوقی و روابط بین‌المللی ایران وجود دارد که بتوان از این گزینه سوم تعهد مذکور در معاهدات بین‌المللی مورد

۱. دیوان بین‌المللی کیفری (International Criminal Court) اولین دادگاه دائمی بین‌المللی است که «رسیدگی به جدی‌ترین جرایم از نظر جامعه بین‌المللی در تمامیت آن» را برعهده دارد. اساسنامه این دیوان در نشست نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ در رم به تأیید نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید و در اول ژوئیه ۲۰۰۲ با تصویب آن توسط ۶۰ کشور، موجودیت پیدا کرد. تاکنون حدود ۱۱۱ کشور به عضویت این نهاد درآمده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز در ۳۱ دسامبر ۲۰۰۲ اساسنامه رم را امضاء کرده، اما هنوز تصویب آن را در دستور کار مجلس قرار نداده است.

قبول ایران استفاده شود. زیرا در مواقعی که با توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی مصوب در ایران، امکان اعمال تعهد به استرداد یا محاکمه وجود داشته باشد ولی فرد متهم به جرایمی مانند مواد مخدر یا جنایت علیه بشریت که در ایران دستگیر شده، به دلیل فقدان مقررات کیفری داخلی مربوط به جرم مزبور (بواسطه جنبه بین‌المللی) امکان تعقیب کیفری یا حتی استرداد وی به دولت متقاضی فراهم نگردد، تنها در صورت تصویب اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، این امکان برای ایران فراهم می‌گردد که فرد متهم به ارتکاب جنایت بین‌المللی که در صلاحیت دیوان می‌باشد را به این مرجع بین‌المللی تحویل داده و از ایجاد مسئولیت بین‌المللی دولت جلوگیری شود. بنابراین امید است که با تصویب اساسنامه رم ۱۹۹۸ از سوی مجلس شورای اسلامی و امضاء رئیس قوه مجریه، زمینه اجرای هرچه بهتر گزینه سوم قاعده یا استرداد یا محاکمه فراهم گردد و ایران نیز بتواند در راه مبارزه با بی‌کیفری و مقابله با جنایات مهم و شدید بین‌المللی اقدامات بهتر و مفیدتری انجام دهد تا بتواند با تحویل افراد متهم به ارتکاب این‌گونه جرایم که در خاک خود دستگیر می‌کند به یک مرجع کیفری بین‌المللی با صلاحیت تکمیلی برای رسیدگی به این‌گونه جنایات بین‌المللی، در زمینه برقراری دادرسی عادلانه و مقابله با بی‌کیفری جنایتکاران بین‌المللی گام مؤثری بردارد.

این نکته نیز لازم به ذکر است که هرچند در حال حاضر جامعه جهانی با توجه به وجود یک مرجع کیفری بین‌المللی، این امر را مفید می‌داند که میان سیستم‌های قضایی ملی و سیستم‌های قضایی بین‌المللی قایل به تفکیک شود ولی این امر مانع از قانون‌گذاری داخلی نیست و قانون‌گذار ایرانی می‌تواند نسبت به وضع قوانین مناسب در جهت مقابله با جنایات بین‌المللی اقدام کند؛ لیکن در قانون‌گذاری می‌بایست بالاترین تضمین‌های قضاوت عادلانه، رعایت حقوق انسانی و تشریفات قانونی برای همه افراد متهم، حتی اگر مرتکب شنیع‌ترین جنایات بین‌المللی نیز شده باشند، مد نظر قرار دهد. این موارد به صورت سنتی در مهم‌ترین اسناد مربوط به حقوق بشر بیان شده است، نتیجتاً در این زمینه بایستی اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ و کنوانسیون منع شکنجه ۱۹۸۴ را مد نظر قرار داد که می‌توانند مبین اصل تساوی در نزد دادگاه، حق برخورداری از قضاوت بی‌طرفانه، اصل برائت و فرض بی‌گناهی، اصل آگاهی متهم از اتهامی که متوجه اوست، حق برخورداری از وقت کافی برای تدارک دفاع و مشاوره، تحقیقات حضوری، مشاوره حقوقی بدون هزینه با هر کسی که متهم یا مظنون خواهان مشورت با اوست و در تمام مراحل رسیدگی و حتی تحقیقات مقدماتی، حق

۱. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ایران در تاریخ ۱۳۵۴/۲/۱۷ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

اعتراض به مدارکی که علیه وی ارائه شده است، حق برخورداری از مترجم و حق عدم اجبار به اظهار علیه خود و اقرار به گناه و حق بازجویی شدن به زبانی که با آن صحبت می‌کند باشد. در پایان لازم به یادآوری است که کلیه کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن تعهد به استرداد یا محاکمه که از سوی ایران تصویب شده‌اند در دو دسته دوم و چهارم کنوانسیون‌ها که در قسمت قبل بطور کامل تشریح شده‌اند، جای می‌گیرند.

در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که قانون‌گذار ایرانی باید به دنبال رفع خلاءهای حقوقی موجود در نظام حقوقی داخلی باشد تا زمینه برای اجرای هرچه بهتر اصل صلاحیت جهانی و همچنین تعهد به استرداد یا محاکمه مندرج در این کنوانسیون‌ها فراهم گردد و اقدامات مقتضی مذکور در این معاهدات بین‌المللی را با دقت انجام دهد تا فقدان مقررات لازم در این زمینه، مسئولیت ایران را در عرصه بین‌المللی مطرح نسازد. ایران می‌تواند از مقررات کشورهای دیگر در این زمینه الگوبرداری درستی داشته باشد.^۱ بنابراین همان‌گونه که تشریح گردید، ضرورت وجود مقررات صریح و کارساز در زمینه اجرای این قاعده معاهداتی حقوق بین‌الملل کیفری در کشورمان به چشم می‌خورد تا همانند دیگر کشورها زمینه اعمال تعهد مذکور در نظام حقوقی داخلی به درستی فراهم شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. کشورهایی مانند سوئیس، پرتغال (۲۰۰۴)، اروگوئه (۲۰۰۶)، آرژانتین (۲۰۰۷) و فرانسه (۲۰۰۸) در تصویب قانون اجرای اساسنامه رم ۱۹۹۸، به قاعده یا استرداد یا محاکمه توجه نموده و آن را در قوانین خود وارد نموده‌اند. کشورهای دیگری مانند السالوادور (۱۹۷۷)، هلند (۱۹۹۸)، پرو (۱۹۹۹)، استونی (۲۰۰۰)، کلمبیا (۲۰۰۰)، مونتنگرو (۲۰۰۳)، بوسنی و هرزگوین (۲۰۰۳)، آذربایجان (۲۰۰۵)، صربستان (۲۰۰۵)، مالت (۲۰۰۶)، پاناما (۲۰۰۷)، فنلاند، قزاقستان، مقدونیه، پرتغال و برخی کشورهای دیگر نیز در زمانی که اساسنامه رم را تصویب می‌نمودند، گزینه سوم این تعهد یعنی «تسلیم متهم به دیوان بین‌المللی کیفری برای محاکمه» را به قوانین کیفری خود افزودند (UN.DOC, A/CN.4/571, Op. cit, p.14).

نتیجه‌گیری

در جهت مبارزه با بی‌کیفری مرتکبان جنایات بین‌المللی و پیشگیری از ارتکاب این اعمال مجرمانه، قاعده سنتی استرداد یا محاکمه در معاهدات بین‌المللی متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. قاعده‌ای که در طول زمان با تغییر و تحولات بسیاری روبرو شده، تعاریف و تعبیر گوناگونی در این باره در اسناد بین‌المللی و معاهدات دو یا چندجانبه به کار رفته است. میان گزینه‌های موجود در تعهد مزبور سلسله مراتب و تقدم و تأخری وجود ندارد. البته برخی کنوانسیون‌ها (مانند کنوانسیون مبارزه با جعل ۱۹۲۹) این تقدم را برای «استرداد» قائل بوده‌اند، ولی با توجه به تعریف جدید کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ (در زمینه مقابله با تصرف غیرقانونی هواپیما) سلسله مراتب میان گزینه‌های تعهد مذکور مطرح نیست (حتی سلسله مراتب صلاحیتی نیز برای در نظر گرفتن اولویت میان دولت‌های مدعی صلاحیت بر مرتکب جرم نیز بیان نشده است). بدین ترتیب دولت محل دستگیری حق انتخاب برای اعمال یکی از گزینه‌های این قاعده حقوقی بین‌المللی را داراست. البته برای رهایی از بن‌بست عدم اعمال هیچ یک از گزینه‌های استرداد یا محاکمه متهم از سوی دولت محل دستگیری، اخیراً جایگزین‌های سومی تحت عنوان انتقال متهم به یک مرجع قضایی بی‌طرف برای محاکمه (دولت ثالث) یا تسلیم وی به دیوان بین‌المللی کیفری مطرح شده است، که این امر سبب افزایش تأثیر قاعده مذکور و گسترش مفهوم آن می‌شود و مورد پذیرش بسیاری از حقوق‌دانان قرار گرفته است که می‌توان به کمک آن مشکلات پیش روی محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بین‌المللی مرتفع نمود، در نتیجه مبنای اصلی این تعهد که همانا امحای بی‌کیفری مجرمان بین‌المللی است، فراهم می‌گردد.

لازم به ذکر است که نمی‌توان قاعده یا استرداد یا محاکمه را به عنوان بهترین راه‌حلی تصوّر نمود که بتواند با انجام اقدامات بین‌المللی خاصی، برطرف‌کننده کلیه ضعف‌ها و نواقصی باشد که در طول این سال‌ها به بحث استرداد مجرمین لطمه زده است. اجرای این تعهد از سوی دولت‌ها تنها یکی از راه‌های مقابله با جنایات و جرایم شدید بین‌المللی محسوب می‌شود. به منظور اعمال «تعهد به استرداد یا محاکمه» به عنوان یک قاعده جهانی برای تسهیل استرداد مجرمین، باید تلاش‌ها در جهت دستیابی به پذیرش دو نکته مهم در میان دولت‌ها معطوف باشد: اول اینکه این تعهد یک عنصر ضروری در مبارزه با جنایات بین‌المللی و اجرای عدالت در مورد مرتکبان این‌گونه جرایم در عرصه بین‌المللی محسوب می‌شود. دوم آنکه ادامه روند محدودسازی قلمرو جرایم بین‌المللی با ارائه تعریفی از آنها در معاهدات بین‌المللی خاص، امری اجتناب‌ناپذیر است که زمینه را برای اجرای مؤثرتر تعهد مذکور فراهم می‌سازد.

با توجه به آینده کاری کمیسیون حقوق بین‌الملل در بررسی این عنوان، با عنایت به رأی نهایی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بلژیک علیه سنگال ۲۰۱۲ (در مورد محاکمه آقای حسن هابره رئیس جمهور سابق چاد از سوی دولت سنگال)، تشکیل دادگاه ویژه آفریقایی در اجرای رأی مزبور و رویه ایجاد شده، همچنین اقدامات و رویه عملی دولت‌ها در پذیرش این قاعده در نظام حقوقی داخلی یا عمل به آن در سطح بین‌المللی و تصویب معاهدات بین‌المللی و منطقه‌ای متعدد حاوی این تعهد، آینده روشنی برای قاعده یا استرداد یا محاکمه در جهت عرفی شدن و یافتن جایگاه محکم و تثبیت شده در حقوق بین‌الملل کیفری وجود دارد.

البته دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حسن هابره، با بررسی برخی مسائل مهم بین‌المللی (برخلاف آنچه در قضیه یروودیا (کنگو علیه بلژیک ۲۰۰۲ صورت گرفت) به یک نتیجه منطقی و عادلانه دست یافت و بر اساس آن اعلام کند که هیچ کس حتی رئیس کشور در صورت نقض قواعد آمره مصونیت نخواهد داشت. دیوان با این صراحت، زمینه را برای اعمال مطلق تعهد به استرداد یا محاکمه نسبت به همه متهمان به ارتکاب جرایم شدید بین‌المللی، صرف نظر از مقام و منصبشان فراهم نموده است و با تبیین مواد کنوانسیون منع شکنجه زمینه را برای اجرای بهتر آن در سطح بین‌المللی فراهم نمود.

در نهایت به نظر می‌رسد که رویه معاهداتی موجود که در دهه‌های اخیر در سطح بین‌المللی رشد قابل ملاحظه‌ای یافته و همچنین تصویب کنوانسیون‌های متعدد مبارزه با تروریسم و سایر جرایم تهدیدکننده جامعه بین‌المللی خود یک مبنای کافی برای توسعه فهرست جرایم بین‌المللی مشمول قاعده یا استرداد یا محاکمه خواهد بود که نشانگر اهمیت زیاد تعهد مذکور در رویه کیفری بین‌المللی است و آن را تبدیل به یک تعهد حقوقی مؤثر در حقوق بین‌الملل کیفری می‌نماید.

از طرفی همان گونه که اذعان شد، در سطح داخلی نیز با پذیرش و تصویب برخی کنوانسیون‌های متضمن قاعده یا استرداد یا محاکمه از سوی مقامات صلاحیتدار ایرانی، این تعهد به نظام حقوقی ایران راه یافته است که البته ضرورت تبیین و تصویب قوانین صریح و جامع در ارتباط با اعمال آن در موارد مواجه با افراد دستگیر شده در داخل کشور که متهم به ارتکاب جنایات فراسرزمینی و بین‌المللی هستند وجود دارد. در واقع برای اعمال هر سه گزینه تعهد مذکور در حقوق کیفری ایران، نیاز به تصویب کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی بیشتری می‌باشد و همچنین با تصویب اساسنامه رم ۱۹۹۸ از سوی مجلس شورای اسلامی، مسیر مقابله با جنایات بین‌المللی و برقراری دادرسی عادلانه برای مرتکبان این گونه جرایم بین‌المللی هموار می‌گردد.

از طرف دیگر، با شناسایی و جرم‌انگاری جرایم مهم و شدید بین‌المللی و جنایات تحت صلاحیت مراجع کیفری بین‌المللی در نظام حقوقی ایران و از سوی مرجع قانون‌گذاری، زمینه تعقیب و محاکمه این‌گونه جرایم در محاکم داخلی نیز به نحو مقتضی فراهم می‌شود. در حقوق کیفری ایران نیز می‌توان مانند بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر با تصویب مقررات صریح و کارساز در زمینه اعمال «صلاحیت جهانی»، «تعهد به استرداد یا محاکمه» و همچنین در جهت «مبارزه با کلیه جنایات بین‌المللی» در نظام حقوقی داخلی اقدامات مقتضی انجام شود تا اجرای عدالت و مجازات این مجرمان بین‌المللی در دادگاه‌های داخلی ایران نیز به بهترین نحو همسو با سایر کشورهایی که در جهت اعمال قاعده مذکور در محاکم ملی خود و مقابله با بی‌کیفرمانی جنایات شدید بین‌المللی که نقض فاحش حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند، ممکن گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ابراهیم گل، علیرضا، «مسئولیت بین‌المللی دولت (متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل)»، چاپ اول، نشر شهر دانش، ۱۳۸۸.
- اردبیلی، محمدعلی، «استرداد یا تعقیب»، حقوق بین‌الملل کیفری: گزیده مقالات ۲، چاپ اول، تهران، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
- خالقی، علی، «قرار جلب اروپایی و تأثیر آن بر حقوق استرداد مجرمین در اتحادیه اروپا»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۷، ۱۳۸۴.
- _____، مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۲.
- زمانی، سیدقاسم، دیوان بین‌المللی کیفری و صدور قرار جلب عمرالبشیر، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
- فلسفی، هدایت‌الله، «حقوق بین‌الملل معاهدات»، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳.
- میرعباسی، باقر؛ و حمید الهوتی نظری، مقدمه‌ای بر دیوان بین‌المللی کیفری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۴.
- میرمحمد صادقی، حسین، «حقوق جزای بین‌الملل»، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۶.
- Amnesty international, International Law commission: The Obligation to Extradite or Prosecute (aut dedere aut judicare), London, February 2009.
- Bassiouni, Cherif; and Edward Wise, "The Duty to Extradite or Prosecute (Aut dedere Aut judicare)", Martinus Nijhoff Publisher, London, 1995.
- Bassiouni, Cherif, "Crime Against Humanity in International Criminal Law", Martius Nijhoff Publisher, London, 1999.
- Bassiouni, Cherif, "A Draft International Criminal Code and Draft Statute on International Criminal Tribunal", Martinus Nijhoff Publisher, London, 1987.
- Bassiouni, Cherif, "International Criminal Law: Multilateral and Bilateral Enforcement Mechanisms", Vol.2, 3rd Edition, Martius Nijhoff Publisher, 2008.
- Barcelona Traction, Light and Power Company, Second Phase, Judgment, I.C.J.Reports 1970.

-
- Bonini, Anna, "ICJ Belgium v Senegal: Temporal Issues and the Prosecution of Torture", < ilawyerblog.com>, Last visited 13 September 2012.
 - Cassese, Antonio; and Lal Chand Vohrah, "Man's Inhumanity to Man: Essay on International Law Houser of Antouio Cassese", Hague, Kluwer Law International Publisher, 2003.
 - Duffy, Helen, "National Constitutional Compatibility and The International Criminal Court", Duke Journal of Comparative & International Law, Vol. 6, 2000.
 - Enache-Brown, Colleen; and Ari Fried, "Universal Crime, Jurisdiction and Duty: The Obligation of Aut dedere Aut Judicare in International Law", MC Gill Law Journal, Vol. 43, 1998.
 - Galicki, Zdzislaw, The Obligation to Extradite or Prosecute (aut dedere aut judicare) in International Law, 2006.
 - Inezumi, Mitsue, "Universal Jurisdiction In Modern International Law: Expression of National Jurisdiction For Prosecuting Serious Crimes Under International Law", Interstia Publisher, 2005.
 - Nash, Susan; and Hias Bantekas, International Criminal Law, 3rd Edition, Routledge-Cavendish Publisher, 2007.
 - Plachta, Micheal, "Aut dedere Aut Judicare, An overview of Modes of Implementation Approaches", Maastricht Journal of European and Comparative Law, vol.6, No.4, 1999.
 - Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), Summary of the Judgment of 20 July 2012, No. 2012/4 (Para.122), Invisible on <www.icj-cij.org> Last visited 22 September 2012.
 - Rabbat, Paul, Aut dedere Aut Judicare: Constitutional Prohibitions on Extradition and The Statute of Rome, Revue Québécoise de Droit International, Vol.15, 2002.